Tajrishcircle.org
نوشتار دریافتی

ولع نفت

و. ا. لنین

ترجمه: م. رضا ملکشا

مسئلهٔ ولع نفت، جهشِ افسارگسیختهٔ بهای نفت و تبانیِ جنایت‌کارانهٔ سرمایه‌داران نفتی با هدف غارت مصرف‌کننده، توجهی گسترده و خشمی کاملاً قابل درک را در مجلس دوما و بیرون از آن برانگیخته است.

دوئل میان وزیر بازرگانی و صنایع در نشست دومای دولتی در ۲۲ مارس که در قالبی نه‌چندان غیر جانبدارانه از «پادشاهان نفتی» سندیکا دفاع می‌کرد و آقای مارکوفِ دوم، که با خشمی آتشین و شورمند برای جریحه‌دار شدن احساساتِ اشرافِ فئودالِ زمین‌دار فریاد می‌زد، شایستهٔ توجه ویژهٔ طبقهٔ کارگر و همهٔ دموکرات‌هاست.

این دوئل بر کلیتِ مناسباتی که میان دو طبقهٔ حاکم روسیه برقرار است نور می‌اندازد: دو طبقهٔ به‌اصطلاح «برتر» (اما در واقع پست، نفرت‌انگیز و غارتگر)، یعنی طبقهٔ زمین‌داران فئودال و طبقهٔ سرمایه‌داران مالی.

در نگاه اول شاید چنین به نظر برسد که مسئلهٔ سندیکای نفتی، موضوعی منفرد و جداافتاده است؛ اما چنین نیست. در واقع، این مسئله صرفاً جلوه‌ای از پرسش کلی و بنیادینِ شیوهٔ ادارهٔ روسیه، یا دقیق‌تر بگوییم، غارت روسیه به‌دست دو طبقهٔ حاکم است. سخنرانی مارکوفِ دوم پاسخی باشکوه به مدافع «پادشاهان» نفت بود، پاسخی که از موضعِ یک محافظه کار سرسخت [۱] ارائه شد؛ کسی که هنگام تقسیم غنیمت، فریب خورده است. جای شگفتی نیست که آقای مارکوفِ دوم هنگام سخنرانی‌اش نتوانست «خود را ببیند»، نتوانست به خود (و دوستان زمین‌دارش) در آینه نگاه کند. من سعی می کنم به آقای مارکوفِ دوم لطف کنم و در برابرش آینه‌ای بگذارم. پرتره‌ای از خودش برایش ترسیم کنم. نشان خواهم داد که «دعوا» میان مارکوف دوم و خووستوف، از یک سو، و شاهان نفت، صاحبان قدرتِ سندیکای نفت سفید و میلیونرهای باکو، از سوی دیگر، چیزی جز یک دعوا و اختلاف خانوادگی نیست؛ دعوایی میان دو غارتگرِ اموال مردم. «قهرِ عاشقان، عشق را تازه می‌کند.» وزیر و آقایان نوبل و شرکا، از یک سو، و آقایان خووستوف، مارکوف و دوستانشان در سنا [۲]، شورای دولتی [۳]و غیره، از سوی دیگر، «عاشق و معشوق» یکدیگرند. اما ده‌ها میلیون کارگر و دهقانِ به خاک سیاه نشستهٔ روسیه از این جماعتِ شیرین‌زبان و عاشق‌پیشه چه نصیبی جز بی‌عدالتی و اجحاف می‌برند!

Tajrishcircle.org
نوشتار دریافتی

در پسِ مسئلهٔ نفت چه چیزی نهفته است؟ پیش از هر چیز، افزایش بی‌شرمانهٔ قیمت نفت از سوی ارباب های نفت است که با کاهش مصنوعی ظرفیت تولید چاه‌های نفت و پالایشگاه‌ها به دست این «شهسوارانِ سود سرمایه‌داری» همراه شده است.

ارقام اصلیِ نشان‌دهندهٔ این نکات پیش‌تر در دوما نقل شده‌اند؛ اما برای آنکه ادامهٔ توضیحاتم کاملاً روشن باشد، ناگزیرم آن‌ها را به اختصار تکرار کنم. قیمت نفت در سال ۱۹۰۲، شش کوپک به ازای هر پود [۴] بود. تا سال ۱۹۰۴، این قیمت به چهارده کوپک افزایش یافت. سپس مسابقهٔ افزایش قیمت هرچه پرشتاب‌تر شد و پس از انقلاب ۱۹۰۵، قیمت هر پود نفت در سال‌های ۱۹۰۸–۱۹۰۹ به بیست‌ویک کوپک و در سال ۱۹۱۲ به سی‌وهشت کوپک رسید.

بنابراین، قیمت نفت طی ده سال بیش از شش برابر افزایش یافته است! در همین فاصلهٔ زمانی، میزان استخراج نفت از ۶۰۰ تا ۷۰۰ میلیون پود در سال‌های ۱۹۰۰–۱۹۰۲، به ۵۰۰ تا ۵۸۵ میلیون پود در سال‌های ۱۹۰۸–۱۹۱۲ کاهش یافته است.

مهم است که این ارقام به خاطر سپرده شوند. شایسته است که درباره‌شان تأمل کنیم. کاهش تولید در طول یک دهه، آن هم در شرایطی که تولید جهانی با جهش‌های عظیمی رو به افزایش بوده است، و هم‌زمان افزایش بیش از شش‌برابری قیمت.

وزیر تجارت و صنعت دلایلِ به‌غایت ضعیفی در دفاع از این تجار و صاحبانِ صنایعی ارائه داد که با یکدیگر دست به تبانی زده‌اند. او اذعان کرد: «تقاضای فزاینده‌ای برای سوخت وجود دارد... صنعت خودروسازی و هواپیمایی تقاضای بیشتری برای نفت دارند.» و با گفتن اینکه این یک پدیده‌ی «جهانی» است، به ما و مردم روسیه دلداری داد.

می توان پرسید «پس آمریکا چه؟». این پرسشی است که به‌طور طبیعی مطرح می‌شود، زیرا همه می‌دانند که آمریکا تنها رقیب جدی روسیه در تولید نفت است. در سال ۱۹۰۰، روسیه و آمریکا در مجموع بیش از نه‌دهمِ نفت جهان را تولید می‌کردند و در سال ۱۹۱۰، این میزان بیش از هشت‌دهمِ تولید نفت جهان بود.

آقای وزیر، اگر صحبت از یک پدیده‌ی «جهانی» است، همین امر نباید در مورد آمریکا نیز صادق باشد؟ وزیر برای آنکه شنوندگانِ حواس‌پرت را تحت تأثیر قرار دهد، هنگام دفاع از غارتگرانِ نفتِ همدست، ارقامی از آمریکا ارائه

داد... اما فقط برای دو سال! در طول دو سال گذشته، قیمت نفت در آمریکا و همین‌طور در رومانی دو برابر شده است.

۱۹۱۳

بسیار خب آقای وزیر! چرا مقایسه‌تان را کامل نمی‌کنید؟ اگر قصد مقایسه دارید، این کار را درست انجام دهید. با آمار بازی نکنید! شما باید آمار آمریکا را برای همان دوره‌ای در نظر بگیرید که آمار روسیه ارائه شده است. مطمئناً باید کاملاً واضح باشد که این بنیادی‌ترین و ابتدایی‌ترین شرط، و الفبای هرگونه استفاده‌ی اخلاقی از آمار است! در روسیه ظرف ده سال، قیمت‌ها در مقایسه با پایین‌ترین قیمت—یعنی قیمت سال ۱۹۰۲ که خودِ وزیر نقل کرده—بیش از شش برابر شده است. و در آمریکا؟ به هیچ وجه چنین افزایشی در قیمت‌ها رخ نداده. بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۰، قیمت [نفت] در آمریکا کاهش یافت و در سال‌های اخیر نیز باثبات باقی مانده است.

بنابراین، نتیجه چیست؟ قیمت در آمریکا دو برابر شده و در روسیه شش برابر. در سال ۱۹۰۰ میزان استخراج نفت در آمریکا کمتر از روسیه بود، اما در سال ۱۹۱۰ به سه برابر میزان تولید در روسیه رسید!

این همان چیزی است که وزیر، در دفاعِ ناشیانه‌اش از تبانیِ میلیونرهای نفتی، نمی‌خواست بگوید. با این حال، حقیقت همین است. هر آماری را که ملاک قرار دهید، جای هیچ شکی نیست که افزایش قیمت‌ها در آمریکا طی ده سال گذشته به‌مراتب کمتر از روسیه بوده است، در حالی که میزان تولید [در آمریکا] به‌شکل چشمگیری افزایش یافته، آن هم درست در زمانی که روسیه دچار رکودی رسواگر یا حتی پس‌رفت بوده است.

ما بلافاصله می‌بینیم که اشاره‌ی وزیر ما به پدیده‌ی «جهانیِ» افزایش قیمت‌ها، تا چه حد عاری از حقیقت و آکنده از کذب است. بله، قیمت‌ها در همه جا بالاتر رفته است. بله، دلیل های عمومی و مشترک برای تمام نظام سرمایه‌داری وجود دارد که موجب افزایش قیمت می‌شود.

بااین‌حال، اوضاع در روسیه تحمل‌ناپذیر است، زیرا در کشور ما افزایش قیمت نفت به‌مراتب و به‌طرزی غیرقابل‌قیاس بیشتر است و در صنعت نفت، به‌جای افزایش تولید، با رکود روبه‌رو هستیم. اوضاع در روسیه مطلقاً تحمل‌ناپذیر است، زیرا به‌جای توسعهٔ گسترده، آزاد و شتابان سرمایه‌داری، شاهد رکود و زوال هستیم. ازاین‌رو، قیمت‌های بالا در روسیه صدها برابر زیان‌بارتر و مخرب‌تر هستند.

Tajrishcircle.org
نوشتار دریافتی

روسیه ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت دارد و آمریکا ۹۰ میلیون نفر، یعنی جمعیت آمریکا کمی بیش از نصف جمعیت روسیه است. بااین‌حال، آمریکا اکنون سه برابرِ ما نفت و هجده برابرِ ما زغال‌سنگ استخراج می‌کند. با توجه به دستمزد کارگران، سطح زندگی در آمریکا چهار برابر بالاتر از روسیه است. آیا روشن نیست که اظهارات وزیر مبنی بر اینکه این معضل پدیده‌ای جهانی است، حاوی دروغی آشکار است؟ این معضل در روسیه اگر نگوییم ده برابر، دست کم چهار برابر، شدیدتر است.

یادداشت ها

این نسخه دست‌نویس فاقد عنوان است. این عنوان توسط مؤسسه‌ی مارکسیسم-لنینیسمِ کمیته‌ی مرکزیِ حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شده است.

۱. در ترجمهٔ انگلیسی لغت (Diehard) آورده شده است. نامی که به جناح راستِ افراطیِ مالکانِ ارتجاعیِ زمین اطلاق می‌شد.

۲. سنای روسیه یکی از عالی‌ترین نهادهای حکومتی در روسیه‌ی تزاری بود. این نهاد در سال ۱۷۱۱ توسط پتر اول تأسیس شد تا جایگزین «شورای بویارها» به عنوان عالی‌ترین نهاد اداری و اجراییِ رسیدگی‌کننده به امور جاری کشور شود. اعضای سنا توسط تزار از میان مقامات عالی‌رتبه‌ی کشوری منصوب می‌شدند.

۳. شورای دولتی یکی از عالی‌ترین نهادهای حکومتیِ روسیه‌ی تزاری بود. این شورا در سال ۱۸۱۰ به عنوان یک نهاد مشورتیِ قانون‌گذاری تأسیس شد که اعضای آن توسط تزار منصوب یا تأیید می‌شدند. شورای دولتی نهادی ارتجاعی بود که حتی لوایحِ معتدلِ تصویب‌شده در دومای دولتی را نیز رد می‌کرد.

۴. پود = ۳۶.۱۱ پوند یا به طور تقریبی ۱۶.۳۸ کیلوگرم.